

ORIGINAL ARTICLE

The business strategy of Murshidiya creed of Kazeroon

Yadolah Aarsalani^{1*}, Abolfazl Razavi², Badrosadat Alizademoghadam³, Yazdan Farrokhi⁴

1. Student of Islamic History, Payam Noor University, Tehran, Iran.
2. Department of History, Kharazmi University, Tehran, Iran.
3. Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran.
4. Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence:
Yadolah Aarsalani
Email: arsalani@pnu.ac.ir

Received: 02 Apr 2023
Accepted: 28 Jun 2023

How to cite

Aarsalani, Y., Razavi, A., Alizademoghadam, B. & Farrokhi, Y. (2024). The business strategy of Murshidiya creed of Kazeroon. Iran Local Histories, 12(1), 1-12. (DOI: [10.30473/lhst.2024.67507.2824](https://doi.org/10.30473/lhst.2024.67507.2824))

ABSTRACT

The Murshidiya was founded in the 4th century of Hijri in Kazeroon by Sheikh Abu Ishaq (d. 426 AH). This doctrine paid special attention to trade, according to the teachings, the ruling attitude of monastic centers and its strategic and geographical location of bio-ecosystem. The present article aims to examine the nature and strategy of Murshidiya's commercial activities in the Timurid period and the contexts and consequences of the commercial life of the followers of this doctrine, taking into account their relations with the ruling political system. It tries to answer the question that what was the influence of the monastic and service network of devotees, the strategic position and business prosperity in the living areas of Murshidiya, in addition to strengthening the business beliefs among the followers of this doctrine in the pursuit of business and the prosperity of business activities. It was carried out with a descriptive-analytical approach. The result shows that due to the commercial position of Kazeroon, the intersection of commercial routes and the access to the Persian Gulf, Sheikh Abu Ishaq's holiness, commercial teachings in Murshidiya's teachings, providing intermediate services to merchants and travelers and needys, as well as the government's attention to doctrines in this era, have been the important factors in the prosperity of business among the followers of this doctrine and, accordingly, the Timurid era.

KEYWORDS

Murshidiya doctrine, Bussiness, Monastery, Kazeroon, Timurid.



«مقاله پژوهشی»

راهبرد تجارت طریقت مرشدیه در کازرون

یدالله ارسلانی^{۱*}، ابوالفضل رضوی^۲، بدرالسادات علیزاده مقدم^۳، یزدان فرخی^۴

چکیده

طریقت مرشدیه در سده چهارم هجری در کازرون توسط شیخ ابو اسحاق (د. ۴۲۶ هـ.ق) بنیان گذاشته شد. این طریقه حسب آموزه‌ها، نگرش حاکم بر مراکز خانقاهی و موقعیت راهبردی و جغرافیایی زیست-بوم خویش، به تجارت اهتمام ویژه‌ای داشتند. نوشتار حاضر با هدف تبیین ماهیت و راهبرد فعالیت‌های تجاری مرشدیه در دوره تیموریان، زمینه‌ها و پیامدهای حیات تجاری پیروان این طریقه را با در نظر داشتن مناسبات ایشان با دستگاه سیاسی حاکم، بررسی می‌کند و تلاش می‌کند تا به این پرسش پاسخ دهد که شبکه خانقاهی و خدمات‌بخشی مریدان، موقعیت راهبردی و رونق تجاری در مناطق زیست مرشدیه به علاوه تقویت باورهای تجاری در میان پیروان این طریقت، در اهتمام به تجارت و رونق فعالیت‌های تجاری چه تأثیری داشت؟ دستاورد تحقیق که با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است نشان می‌دهد که به سبب موقعیت تجاری کازرون، تلاقی راه‌های تجاری و دسترسی منطقه به خلیج فارس، قداست شیخ ابو اسحاق، وجود آموزه‌های تجاری در تعالیم مرشدیه، دادن خدمات بین راهی به بازرگانان و مسافران و نیازمندان و همین‌طور توجه حاکمیت به طریقت‌ها در این عصر، از عوامل مهم رونق تجارت در میان پیروان این فرقه و به تبع آن عصر تیموریان بوده است.

واژه‌های کلیدی

طریقت مرشدیه، تجارت، خانقاه، کازرون، تیموریان.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه

پیام نور، تهران، ایران

۲. گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳. گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۴. گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

یدالله ارسلانی

رایانامه: arsalani@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷

استناد به این مقاله:

ارسلانی، یدالله؛ رضوی، ابوالفضل؛ علیزاده

مقدم، بدرالسادات و فرخی، یزدان (۱۴۰۳).

راهبرد تجارت طریقت مرشدیه‌ی کازرون.

فصلنامه علمی پژوهشنامه تاریخ‌های محلی

ایران، ۱۲(۱)، ۱-۱۲.

(DOI:

10.30473/lhst.2024.67507.2824)

مقدمه

دوره تیموریان (۹۱۳-۷۷۱ ه.ق)، شاهد رشد بیشتر تصوف در ایران است. از پیامدهای تهاجم مغول، گسترش تصوف بود. دین و مذهب، از ابزارهایی بود که حکومت تیموریان از آن برای مشروعیت خود بهره گرفتند. آنان در لشکرکشی‌ها، از طریقت‌ها حمایت می‌کردند؛ این حمایت‌ها، در قالب معافیت‌های مالیاتی بخصوص تمغا، در تشویق طریقت‌ها، برای ورود به تجارت تأثیرگذار بود. توجه ویژه شخص سلاطین تیموری به شیوخ و اهالی خانقاه نیز در این جهت مهم بود و مشایخ را در رتبه نخست آحاد جامعه قرار می‌دادند. اقبال عمومی اهالی تصوف در ایران، موجب شد که از سده‌ی پنجم هجری به بعد، که زندگی جمعی در خانقاه رواج یافت، شیوخ به تجارت توجه داشته باشند. با این حال، اوج فعالیت اقتصادی این طریقت‌ها مربوط به دوره‌ی تیموریان است. در این میان، طریقت مرشدیه کازرون، با بهره‌گیری از شرایط سیاسی و اقتصادی موجود و اعتنای شایسته به مقوله تجارت، تجربه بی‌نظیری به جا گذاشت و فعالیت‌های گسترده‌ای را در مناطق حذفاصل آسیای صغیر تا چین آغاز کرد. مرشدیه ضمن ترویج آموزه‌های طریقتی، در بین بازرگانان نفوذ کرد و با بها بخشیدن به تجارت به عنوان بخشی از باورهای طریقتی، موجبات تشویق بیشتر هواداران خویش به تجارت را فراهم آورد. به علاوه، از حیث زیست-بوم و پراکندگی جغرافیایی حوزه فعالیت‌های مذهبی، طریقت مرشدیه، با مرکزیت کازرون و از راه خلیج فارس، ظرفیت نفوذ از آسیای صغیر تا هند و چین را داشت و این مهم مزید بر بها دادن به تجارت و خدمات‌دهی به مسافران و بازرگانان در خانقاه‌ها و مسیرهای تجاری بود. بر این اساس، مقاله حاضر، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و محور قرار دادن راهبرد تجارت طریقت مرشدیه کازرون، این پرسش بنیادی را مورد توجه قرار می‌دهد که: موقعیت راهبردی و رونق تجاری در مناطق زیست-بوم مرشدیه، شبکه خانقاهی و خدمات‌بخشی مریدان، به علاوه تقویت باورهای تجاری در میان پیروان این طریقت، در اهتمام به تجارت و رونق فعالیت‌های تجاری چه تأثیری داشت؟ در این جهت، پس از مرور مختصری بر تاریخچه طریقت مذکور، نقش نهاد خانقاه در رونق فعالیت‌های تجاری هواداران این طریقت، وضعیت راه‌های تجاری و موقعیت راهبردی گستره فعالیت پیروان مرشدیه با تأکید بر کازرون، چگونگی جذب و تربیت مریدان را از حیث اعتنای ایشان به تجارت و در پی آن رونق فعالیت‌های تجاری را بررسی می‌کند.

به لحاظ پیشینه پژوهش، در برخی تحقیقات، به جنبه‌هایی از فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و همچنین، از رویکرد بازرگانی طریقت‌های این دوره، پرداخته شده است اما به نظر می‌رسد پژوهش مستقلی که روشمند و منسجم، زمینه‌های اهتمام و رونق تجارت را در میان مرشدیه تبیین کند، وجود ندارد. در جلد ششم تاریخ ایران کمبریج، تجارت تیموریان، مورد بررسی قرار گرفته اما توجهی به تجارت در میان طریقت‌ها نشده است. کاوتس، رالف (۱۳۹۲)، در کتاب «چشم‌اندازهایی از جاده‌ی ابریشم دریایی» براساس سفرنامه ابن بطوطه، اشاراتی به مناسبات فرهنگی و اقتصادی تجاری مرشدیه دارد. ندا حسینی میلانی، جهت‌گیری دو طریقت نقشبندی و نعمت‌الهی در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی در عصر تیموری را با نگاهی تحلیلی، نشان داده اما به مرشدیه نپرداخته است (حسینی میلانی، ۱۳۹۵: ۲۳۷-۲۶۰). رحیمی جابری در مقاله «نقش شیخ ابواسحاق در گسترش اسلام در کازرون»، اشاراتی به فعالیت تجاری مرشدیه، در حوزه اقیانوس هند دارد (رحیمی جابری، ۱۳۹۷: ۱۱-۲۶)، همو با همکاری خیراندیش، در مقاله «خانقاه‌های مرشدیه در هند و چین سده هشتم هجری» اشاره دارد که خانقاه، در امر تجارت مرشدیه نقش داشته است (رحیمی جابری و خیراندیش، ۱۳۹۸: ۲۱۹-۲۶۶). وی با تأکید بر میراث اجتماعی و فرهنگی طریقت مرشدیه در خنج در سده‌های هفتم و هشتم هجری، پیامدهای نفوذ طریقت مرشدیه بر آن منطقه را تبیین می‌کند (رحیمی جابری، ۱۳۹۸: ۱۲۶-۱۴۸). امین نادری، خسروییگی، بهادر قیّم و علی بحرانی‌پور به ساختار فرهنگی، هنری و رویکرد اقتصادی خانقاه، در دوره ایلخانیان می‌پردازند و به نقش صوفیان در حل مسائل حقوقی بازرگانان مرشدیه مقیم شبه‌قاره، اشاره دارند (نادری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱-۱۷). فریدون الهیاری، نورائی و علی رسولی، به بیان کارکردهای تجاری نقشبندی در دوره تیموری پرداخته و عوامل فکری زمینه‌ساز بازرگانی پیروان آن را تبیین می‌کنند (رسولی و دیگران، ۱-۴۰). ابراهیم فیاض، تولی و دبیریان در بررسی تصوف و جامعه‌شناسی توسعه‌نیافتگی در ایران، بر دنیاگرایی اهل تصوف در ایران تأکید دارند، و نتیجه می‌گیرند که دین تصوف‌زده باعث عدم پیشرفت مادی ایران شده است. مقاله مذکور، اغلب پژوهش‌های مربوط به تصوف را، به چالش می‌کشد، درحالی‌که فعالیت‌های تجاری مرشدیه نافی این نگرش است (دبیریان و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۱-۸۴). اعرابی هاشمی، سهیلا ترابی و هومان محمدی، گفتمان فکری-سیاسی نقشبندی در عصر تیموریان، را بررسی کرده‌اند، اما از رویکرد تجاری این

طریقت، توضیحی ارائه نداده‌اند(اعرابی هاشمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵۵-۱۷۹).

تاریخچه‌ی طریقت مرشدیه

ابواسحاق ابراهیم بن شهریار کازرونی(۳۵۲-۴۲۶ ه.ق.)، مشهور به شیخ مرشد، در سال ۳۵۲ ه.ق، در کازرون زاده شد. وی بعد از تحصیل مقدمات علوم، طریقت مرشدیه را در سده‌ی چهارم هجری قمری در کازرون بنیان گذاشت(ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۵) و دستگیری از نیازمندان و مسافران را پی گرفت. کتاب فردوس المرشدیه فی اسرارالصمدیه، اثر محمود بن عثمان در سال ۷۲۸ ه.ق. در مقامات ابواسحق تألیف شده است. خانقاه مرشدیه در زمان ابواسحاق متمول شد: «هر کجا کدخدایی بارکش بود سیم و زر در پای او ریختند.» بعد ورود به فعالیت سیاسی، قدرت نظامی کسب کرد: «جماعتی از خدمت شیخ خواستند، آن که تجهیز لشکری کنند از برای غز.» در سال ۳۷۱ ه.ق، مسجدی در کازرون بنا کرد که نخستین مقر طریقت مرشدیه شد(ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۸۰، ۱۴۳-۱۴۴، ۵۸، ۱۹-۲۵، ۶۲-۱۲۴). او در سال ۴۲۶ ه.ق، درگذشت و در خانقاه مرشدیه‌ی کازرون به خاک سپرده شد. آرامگاه شیخ به زیارتگاه زائران طریقت مرشدیه بدل شد: «مزار مبارکش چون قبله‌ی اهل اقبال، همچون کعبه‌ی معظمه در عجم درآمد.» (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۴۶). مرشدیه در سده‌ی هفتم قمری به هند و چین پای نهاد(وصاف الخضره، ۱۳۴۶: ۲۶۴). خطیب ابوالقاسم عبدالکریم نخستین جانشین شیخ ابواسحاق بود که پس از او، جانشینی به فرزندش ابوسعید زاهر رسید. بعد، برادرش امام ابوبکر، سپس برادر دیگرش ابوحامد جایگزین شد(ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۸۳، ۳۶۵-۳۷۴). آنگاه فرزندش ابوالقاسم محمود بن ابوحامد، رهبری طریقت را در دست گرفت. پس از وی، شیخ سراج‌الدین، و از آن پس شیخ روزبهان، سپس امین‌الدین بلبانی که در سال ۷۴۴ قمری در قید حیات بود، خلیفگی مرشدیه را عهده‌دار بود(زرکوب شیرازی، ۱۳۵۹: ۱۳۹، ۱۸۶). در نیمه اول قرن نهم هجری کمال‌الدین مرشدی، خلیفگی این طریقت را به عهده داشت(افشار، ایرج ۱۳۵۸: ۱۳۷-۱۴۷). به دستور شاه اسماعیل صفوی مبنی بر ویرانی بناهای مرشدیه، فعالیت‌های این طریقت در ایران به سرانجام رسید(جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۱۸۸؛ عرفانی واحد و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۷-۹۶).

نقش نهاد خانقاه در فعالیت تجاری مرشدیه

برای پیدایش خانقاه، تاریخ معینی نمی‌توان مشخص کرد؛ ولی در سده‌ی چهارم هجری، اماکنی برای تجمع صوفیان وجود داشته

است(ابن منور، ۱۳۷۱: ۱۲۷). در قرن پنجم مدارس خانقاه در نیشابور فعال بودند(قشیری، بی‌تا: ۱۹). جامی باور دارد که اولین خانقاه در رمله شام احداث شد (جامی، ۱۳۳۶: ۳۲). عزالدین کاشانی(د ۷۳۵ ه.ق) در کتاب مصباح الهدایه، نظام خانقاه را که سهروردی نوشته بود به کمال رساند(کاشانی، ۱۳۶۷: ۱۶۳). در سده‌ی هشتم، در خانقاه آداب سفر آموزش داده می‌شد. رهگذران و مسافران در آن غذا می‌خوردند؛ و شیخ‌الشیوخ لقب مقام شیخ خانقاه بود(رجایی بخارایی، ۱۳۶۴: ۴۵۶). ابن عثمان درباره‌ی خدمات‌رسانی خانقاه می‌نویسد: «خانقاه، خدمت آینده و رونده کنند». وی درباره‌ی ارائه خدمات خانقاه ابواسحاق به پیروان دیگر ادیان، اذعان می‌دارد: «ابواسحاق از مرد یهودی پذیرایی کرد». او همچنین بیان می‌کند که: خانقاه‌ها در دوره‌ی قحطی طعام می‌دادند: «قحطی عظیم پدید آمد. شیخ مرشد نان و طعام قسمت کردی». محمود بن عثمان باب بیست و پنج از کتاب خود را با عنوان تحت‌السراج (محل‌ی در خانقاه برای مسافران) می‌نامد(ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۹۰-۱۹۶، ۱۶۲، ۴۴۶). در مجالس النقایس آمده است که خانقاه‌ها در کنار سایر عملکردها، معاملات تجاری نیز انجام می‌دهند (نوبی، ۱۳۲۳: ۷۴). در خانقاه ماهان، قافله سه روز اقامت می‌کرد و بازرگانان، پارچه و پول هدیه می‌دادند(واعظی، ۱۳۶۱: ۳۰۳-۴). صوفیان مرشدی در سفرهای تجاری به هند و چین، فرهنگ ایرانی را در آن حوزه اشاعه می‌دادند (کاوتس، ۱۳۹۲: ۸۴). اهالی مرشدیه، در خانقاه‌ها، با دستگیری نیازمندان و پذیرایی از مسافران و بازرگانان، راه تبلیغ عملی برای طریقت را پیش گرفتند. برای دستیابی به این اهداف، خانقاه‌های مرشدیه را بنیان گذاشتند که از کازرون هدایت می‌شدند. تجارت، این طریقت را غنی ساخت، و ثروت انباشته، در راه تبلیغ آموزه‌هایش به کار گرفته شد؛ ضمن آنکه در آموزه‌هایش فعالیت اقتصادی توصیه شده بود؛ لذا امور اجتماعی را با تکیه بر تجارت، توأمان با جایگاه معنوی دنبال کرد. خانقاه محل تجمیع کاروانسرا، مهمان‌سرا، مدرسه، محل بارانداز، محل نگهداری چارپایان و مقابر بودند. این گستردگی، درآمد و هزینه می‌طلبید که تجارت یکی از روش‌های تأمین آن بود. برخی خانقاه‌ها قنات نیز داشتند. در گزارش اسفزاری که فرستادگان امیر غیاث‌الدین درخواست معافیت تمغای خانقاه هرات را نزد امیر تیمور طرح می‌کنند، آمده است: «امیر غیاث‌الدین درویشان خود را به سمرقند فرستاد و از امیر تیمور حکم معافیت لنگر و قنات آن را گرفتند»(اسفزاری، ۱۳۳۹: ۱۴۲/۲-۱۴۳). از استنادات ارائه شده چنین برمی‌آید که هرچا در خانقاه از مسافران

۲۱۹-۲۶۶). مریدان مرشدیه برای گسترش طریقت خود از فارس خارج شدند. شیخ ابوالفتح زنجانی، خلیفگی خانقاه مرشدیه‌ی زنجان را به‌عهده داشت(ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۹۸). مرشدیه در اصفهان در بین تاجران مریدانی داشت(ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۹۱). همچنین مریدان مرشدیه در گیلان، طبرستان، خراسان و بخارا حضور داشتند(ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۲۳، ۱۵۱، ۳۸۹، ۱۴۰، ۱۷۷).

در واقع حمایت حاکمیت، از عوامل گسترش خانقاه بود. تیمور برای دستیابی به اهداف سیاسی، با وقف املاک و احداث خانقاه، به حمایت از طریقت پرداخت که این سیاست در عهد جانشینان وی نیز دنبال شد. از سویی در برخی منابع، حمایت حاکمان از خانقاه، نکوهیده می‌شود: «بیشتر رباط‌های صوفیان را ستمگران بنا کردند.» (ابن جوزی، ۱۳۸۹: ۱۴۹). ثروت خانقاه‌ها، گاهی طمع سلاطین را برمی‌انگیخت؛ در سال ۶۲۱ ه‍.ق، سلطان غیاث‌الدین خوارزمشاه آن را چپاول کرد: «الپرخان را به کازرون فرستاد و به آثار ابواسحاق دست یافت. آنجا اموال نذور جمع شده بود؛ همه را الپرخان به خزانه خود نقل کرد»(نسوی، ۱۳۴۴: ۱۰۴).

راه‌های تجاری فارس در عهد تیموریان

مرشدیه برای تجارت، از راه‌های تجاری بهره گرفت. این طریقت به راه‌های تجاری توجه داشت و امکانات رفاهی تاجران را تامین می‌کرد(کاوتس، ۱۳۹۲: ۷۶). در طبقات ناصری، فارس به دو اقلیم سرد و گرم تقسیم شد. مناطق سرد به پرورش دام و زراعت، و مناطق گرم منتهی به ساحل، به تجارت تکیه داشتند(منهاج سراج، ۱۳۶۳: ۳۱۵/۲). بخشی از راه‌های مهم تجاری در سواحل خلیج فارس در منطقه‌ی نفوذ مرشدیه واقع بودند. کازرون در تلاقی جاده‌های تجاری فارس قرار داشت. از راه شیراز از شمال به مرکز ایران و از جنوب به خلیج فارس و از آن‌جا به راه‌های دریایی مرتبط می‌گشت. این راه‌ها به هرمز دسترسی داشتند(مستوفی قزوینی، ۱۳۳۶: ۱۵۰). راه تجاری فارس به خوزستان از کوره شاپور می‌گذشت(ابن بلخی، ۱۳۶۲: ۱۳۶-۱۳۷). در مرز کوره شاپور و کوره ارجان، درخید قرار دارد که در آن، تجارتخانه ساخته بودند(اقتداری، ۱۳۶۹: ۱۶۷/۱). در مسیر شمال، اصفهان به شیراز به سمت جنوب از کازرون عبور می‌کرد(ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۰۹). در سویی دیگر، راه‌های ماوراءالنهر بود از طریق شیراز به خلیج فارس می‌رسیدند؛ و آن مناطق از دریا به هند و چین وصل می‌شدند؛ و راه هرمز-شیراز، تا قطیف می‌رسید(ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۳۳۱-۳۴۱). راه‌هایی از آذربایجان و خراسان به فارس اتصال می‌یافت(مستوفی

پذیرایی می‌شد، لزوماً به این معنی نبود که تجارت در آن خانقاه رونق داشته است، بلکه خانقاه در کنار امور فرهنگی و دینی، کارکرد اقتصادی نیز داشت.

منابع، از خانقاه‌های مرشدیه، از آسیای صغیر تا هند گزارش می‌دهند که در خدمت مریدان، مسافران و رهگذران بودند. مراکز خانقاهی در مسیر خلیج فارس، پناهگاه تجاری بود که بازرگانان می‌توانستند کالاهایشان را به آن سوی فارس ببرند و علاوه بر بازرگانی، گسترش خانقاه مرشدیه را در دیگر نقاط فراهم کنند(کاوتس، ۱۳۹۲: ۸۲). در منابع، تعداد خانقاه مرشدی در فارس را تا شصت و پنج باب نوشته‌اند(چاهیان بروجنی، ۱۴۰۰: ۹۴-۱۱۲). استقرار برخی از خانقاه‌ها، بدین شرح است: مجموعه‌ی مرشدیه کازرون، اکنون تنها اثر باقی‌مانده از این بنا، آرامگاه شیخ ابواسحاق است. خانقاه‌های مسیر تجاری کازرون به توج، از کازرون به خلیج فارس می‌رسید. خانقاه‌های مسیر کازرون- جره، که یکی از این خانقاه‌ها توسط شیخ ابوالحسن بن علی، بنا گردید. اهالی جره، خانقاهی در سفیتان نزدیک جره بنا کردند. در مسیر شیراز - سمیرم نیز خانقاه‌هایی ساخته شده؛ شیخ ابوالاظهر، در جویم به بیضا واقع در مرو دشت، خانقاهی بزرگ بنا کرد(ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۰۴-۱۰۵، ۲۸، ۲۶، ۱۵۸، ۱۸۶، ۲۱۹، ۳۹۸-۳۹۲). از کازرون به شیراز، در آبادی رونجان، خانقاه زیبایی واقع است(یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۷۸۵/۱-۷۸۶). در فارس، چهار خانقاه مادر فعال بودند. خانقاه خنج، خانقاه طاووس الحرمین در ابرقو، خانقاه شیخ ابواسحاق در کازرون و خانقاه ابوعبداله خبقی در شیراز (مستوفی، ۱۳۶۲: ۶۷۵). خانقاه مرشدیه‌ی کازرون از سال ۷۰۶ تا ۷۳۲ ه‍.ق. توسط امین‌الدین بازسازی شد. ابن عثمان در وصف آن می‌نویسد: «به آن باب الفردوس المرشدی گفتند». خانقاه کازرون به زراعت توجه داشت. ابن عثمان اشاره‌ای به آن دارد: «زیدک نزدیک کازرون چندان که پنبه در آن مثمر بود، در هیچ جای دیگر نباشد و بهای پنبه آن بیشتر باشد.» (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۹۵، ۱۰۲). خانقاه شیخ رکن‌الدین در خنج از دیگر خانقاه‌های مهم بود که پذیرای مسافران و تاجران بود(رحیمی جابری، ۱۳۹۸: ۱۲۶-۱۴۸). در خانقاه ابرقو، ابن بطوطه با شیخ ابودلف خنجی دیدار کرد. ابن بطوطه از هزینه و ملزوماتی که در اختیار مسافران قرار می‌گیرد گزارش می‌دهد(ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۰۹، ۵۸۹، ۲۴۹). علاوه بر رهگذران و مسافران، بازرگانان نیز در مسیر راه‌های تجاری آسیای صغیر تا حوزه‌ی اقیانوس هند، تحت پوشش خدماتی مرشدیه بودند. تاجران، در بندرگاه‌های هند، خانقاه‌هایی برای مرشدیه احداث کردند(رحیمی جابری، ۱۳۹۸:

قزوینی، ۱۳۳۶: ۱۸۶). راه شیراز از طریق شبانکاره، به کرمان می‌رسید (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۵۱/۳-۵۲).

به نظر می‌رسد که طریقت مرشدیه بر اهمیت خلیج فارس آگاه بود. این دریا علاوه بر راه تجاری دریایی، اشیاء گرانبها را هم در خود داشت. انصاری دمشقی می‌نویسد: «در دریای پربرکت فارس، لوءلوء مروارید و یاقوت بنفش، یافت می‌شود. جزایر آن، خارک و کاس (کیش) نامشان بر سر زبان‌های بازرگانان است.» (انصاری دمشقی، ۱۳۵۷: ۲۷۹). در دوره‌ی تیموریان، بندر هرمز در درجه‌ی اول اهمیت، و کیش در درجه‌ی دوم بود. در سده‌ی هشتم هجری، راه دریایی از هرمز به مصر و مالایا برقرار بود (وصاف، ۱۳۳۸: ۱۷۶-۱۷۸). در اهمیت تجاری هرمز، مارکوپولو می‌نویسد: «هرمز محل داد و ستد بازرگانان هندی است که با خود ادویه، دارو، سنگ‌های قیمتی و عاج فیل می‌آورند و در هرمز به بازرگانان دیگری که آنها را به تمام دنیا می‌برند می‌فروشند» (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۴۸ و ۲۲۸). لازم به ذکر است نگرش مرشدیه به موقعیت ویژه کازرون در مقوله‌ی تجارت، به این طریقت کمک کرد. زیرا موقعیت جغرافیایی آن با مراکز بزرگ تجاری آن روزگار مرتبط می‌شد؛ بدین گونه که از جنوب به هرمز ختم می‌گشت و از آن طریق همان‌طور که در شرح راه‌ها آمد، بازرگانان از راه‌های دریایی به هند و چین می‌رسیدند. کازرون از رهگذر خلیج فارس، در غرب با بین‌النهرین، مدیترانه، و آفریقا، در جهت شرقی به کرمان، سیستان، و هند؛ از شمال به یزد و هرات و خراسان و ماوراءالنهر و از آن طریق به جاده‌ی موسوم به ابریشم به غرب چین، خوارزم و دشت قبچاق؛ و از راه مرکز به شمال، اصفهان، ری، ساحل خزر، آذربایجان و آسیای صغیر؛ راه می‌یافت.

بازرگانی فرامرزی مرشدیه‌ی کازرون

با کم‌رونق شدن جاده‌ی موسوم به ابریشم، راه دریایی بین ایران و چین رونق گرفت. طریقت مرشدیه، با ایجاد خانقاه‌هایی در مسیرهای ساحلی، در عرصه‌ی تجارت دریایی فعال شد. جیهانی در وصف تاجران مرشدیه، می‌نویسد: «بر جمع مال، نیک حریص باشند و در غربت صبور. مال بسیار به دست آورند و بیرون از فارس در هر شهری مشهور گردند.» (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۲۱). منابع از ارتباط مرشدیه و بازرگانان ایرانی با دیگر ممالک یاد کردند.

الف- بازرگانی با هند: تجارت بنادر هند اغلب توسط ایرانی‌ها انجام می‌شد که تعدادی از آنها از اهالی کازرون بودند. (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۳). نفوذ پیروان مرشدی در هند آنچنان بود که برخی از آنان از جمله شیخ رکن‌الدین در دربار غیاث الدین هند راه

یافت (هندشاه، ۱۳۹۴: ۶۱۰/۴). هند هدف تجاری تاجران ایرانی شناخته می‌شد: «هند سرزمین زر و بازرگانی است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۰۰/۲). پیروان طریقت مرشدیه در بنادر هند از جمله کولم فعال بودند و تاجران مرشدیه در هند از سوی خانقاه کازرون حمایت می‌شدند. این حمایت اغلب از طریق اتحادیه‌ی بازرگانی ایرانی در هند بود که مریدان مرشدی در آن عضویت داشتند. شیخ عمر بن الفرج کازرونی (د، ۷۰۳) تاجر مرشدی، این شبکه‌ی بازرگانی را ساماندهی کرد (کاوتس، ۱۳۹۲: ۸۴). این تشکیلات تجاری در سال ۷۳۴ ه.ق، با ریاست شیخ شهاب‌الدین کازرونی فعالیت می‌کرد. شیخ شهاب‌الدین رئیس زاویه‌ی کالیکوت هند و نماینده‌ی خانقاه شیخ ابواسحاق برای دریافت نذورات مردم هند و چین و تاجران و دریانوردان برای آن خانقاه بود (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۵۹۵، ۴۶۹). بدین ترتیب، شهاب‌الدین همزمان نقش بازرگان و مبلغ طریقت مرشدیه را داشت.

ب- بازرگانی با چین: بندر زیتون در منطقه‌ی چوانچو در چین، مقصد بازرگانان ایرانی بود. ابوالفدا بندر زیتون را این گونه معرفی می‌کند: «زیتون بندرگاه چین است و آن شهر نزد بازرگانان ایرانی مشهور است. کشتی‌ها از دریای چین داخل زیتون می‌شوند و به شهر درمی‌آیند» (ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۴۱۵). ابن بطوطه می‌نویسد: «زیتون و کانتون، بخشی برای مسلمانان است که برای خود مسجد، خانقاه و بازار دارند. از مشایخ بزرگ این شهر، برهان‌الدین کازرونی را دیدم که در بیرون شهر زاویه‌ای داشت و بازرگانان نذوراتی را که در حق شیخ ابواسحاق کازرونی داشتند به او می‌پرداختند». مطابق گزارش ابن بطوطه، مریدان خانقاه، حواله‌های پول را از طریق دریانوردان به مناطق دور می‌فرستادند: «دراویشی که از صدقات شیخ برخوردار می‌شوند به خادم زاویه مراجعه می‌کنند خادم توقیعی به دستشان می‌دهد. مهر خاص شیخ ابواسحاق که در قالبی از نقره کنده شده با رنگ سرخ بر صدر توقیع زده می‌شود. طبق آن، پول نذری به صاحب حواله پرداخت می‌شود. این توقیعات حواله‌ی هزار یا صد دینار یا کمتر و بیشتر می‌باشد. در خانقاه‌های مرشدیه در کالیکوت، کولم در مالایا، بندر زیتون و بندر چوانچو در چین از بازرگانان پذیرایی می‌شود. این خانقاه‌ها در کرانه‌های دریا قرار دارند. مسافران و تاجران وجوهی را که برای ایمنی سفر نذر می‌کنند به خانقاه می‌پردازند. بازرگانان در دریای چین در بروز توفان، به اسم شیخ، نذر می‌کنند و چون کشتی به سلامت به ساحل می‌رسد خادم زاویه به کشتی درمی‌آیند و زمام کشتی را می‌گیرند. هرکس نذری که در دل کرده به خادم زاویه می‌پردازد. هیچ کشتی‌ای از جانب هند یا چین نمی‌آید مگر آنکه

دو نفر از شیوخ مرشدیه در باغ مولایی یزد خبر می‌دهد. (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۲۱-۱۲۲، ۱۸۲، ۱۱۱-۱۱۲؛ جعفری، ۱۳۳۸: ۱۳۶) خضرشاه مسجد جامع در یزد بنیان گذاشت (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱۸۷/۱؛ خادم‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

بازرگانان مرشدیه در کرمان تجارت می‌کردند. گیاه نیل توسط پیروان این طریقت، از کرمان به کازرون برده می‌شد (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۶۴، ۱۰۲). نقل از مقدسی است که «بازار کرمان سودآور است و نیل کرمان از جیرفت خیزد.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۹۳/۲). عبدالرزاق سمرقندی از حضور مریدان مرشدیه در خراسان خبر می‌دهد: «در خراسان شیوخی نسبت خرقة‌شان به ابواسحاق مرشدی می‌رسید.» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۴۶۶).

یکی از شهرهای بین شیراز و ارجان، زیدان نام داشت که تاجران این شهر، مرشدی بودند (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۱۱). از جمله حاجی حسام‌الدین و ملک عمادالدین زیدانی، تاجران پارچه ارجان، پیرو مرشدیه بودند. در ادامه این مسیر، بازرگانان مرشدیه، در بغداد به بازرگانی و کسب علم می‌پرداختند (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۹، ۳۸۸-۳۸۹، ۴۰۹-۴۱۲، ۴۵۵)، لازم به ذکر که رونق فعالیت بازرگانی مرشدیه، در شرایطی پدید می‌آید که تداوم درگیری‌ها بین شاهزادگان تیموری و جدال‌های ترکمانان، اوضاع را نابسامان ساخته بود. در چنین شرایطی، رویکرد طریقت مرشدیه، توجه به بازرگانان، همچنین جذب مسافر معطوف بوده است.

موقعیت تجاری کازرون

طبق تقسیمات کشوری دوره‌ی ساسانیان، فارس به پنج ولایت تقسیم می‌گردید که هرکدام «کوره» نامیده می‌شد. کازرون جزو کوره‌ی شاپور بود که تقسیم‌بندی‌اش تا سده‌ی هفتم هجری باقی بود (لسترنج، ۱۳۳۷: ۲۶۷). خانقاه‌های مرشدیه که در طول جاده‌های فارس پراکنده بودند؛ در تجارت مؤثر بودند. کازرون مقر خانقاه‌های مرشدیه و محل توقف در پس کرانه خلیج فارس و مراکز تجاری بود (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۶۳). حافظ ابرو از فعالیت بازار کازرون چنین گزارش می‌دهد: بارهای بسته بدون آنکه بازگشایی شوند، معامله می‌شدند چون به فروشندگان آن اعتماد داشتند. گاهی خرواری بار کازرونی به ده دست داد و ستد می‌شد بدون آنکه بار را بگشایند (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۳۱/۲). کازرون در تولید پارچه‌ی کرباس معروفیت داشت که به سایر نقاط صادر می‌شد (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۴۹). ابن بلخی می‌نویسد که فارس از کوره شاپور (کازرون) به ریشهر می‌رسید. وی از رواج رسمی در صنعت پارچه‌ی کازرون

هزاران دینار نذورات آورده باشند. همه‌ی این پول به وسیله‌ی وکیلان که از جانب خادم زاویه شیخ تعیین شده‌اند جمع‌آوری می‌شود (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۵۸۹، ۵۹۵، ۶۶۷، ۲۱۰-۲۱۱). از این رو مسافرت‌های طولانی تجاری، همچنین قداست ابو اسحاق، که بازرگانان را تشویق می‌کرد تا در هنگام خطر، نذوراتی را برایش لحاظ کنند؛ چرخه مالی وسیعی پدید می‌آورد که نیاز به تشکیلات صنفی بازرگانی داشت. ارسال حواله‌ی پول از ایران تا هند و چین، گویای وجود چنین تشکلی در مرشدیه است. موقعیت جغرافیایی فارس، در این فرایند به عنوان مرکزیت خانقاه مرشدیه، قابلیت اداره‌ی این زنجیره را داشت. از سویی در دوره تیموریان، راه‌های ارتباطی زمینی ایران به سمت چین به افول رفت و راه‌های تجاری دریایی ترقی کرد.

پ- بازرگانی با آسیای صغیر: طریقت مرشدیه در آسیای صغیر حضور داشت. در زمان مراد سوم، در ثبت دفاتر وقف آمده است که سلطان سلیمان، در سده‌ی دهم هجری، دو زمین زراعی را که درآمد آنها ۱۴۴۰ آقچه می‌باشد برای وقف خانقاه ابواسحاق فراهم کرد (گونبال، ۱۳۹۵: ۱۰۴-۱۰۵). در سال ۸۲۹ ه.ق، یکی از شیوخ این طریقت، به نام شیخ نورالدین محمد کازرونی، به محل اقامت شاهرخ در قراباغ می‌رود تا مالیات هرمز را به وی تحویل دهد. شاهرخ او را به عنوان سفیر خود نزد پادشاه عثمانی سلطان مراد دوم فرستاد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۴۵۹/۲). این اقدام شاهرخ، رشد و نفوذ مرشدیه در آناتولی را نشان می‌دهد.

ت- بازرگانی درون مرزی مرشدیه‌ی کازرون:

مرشدیه، در داخل نیز فعالیت بازرگانی داشت. از جمله در یزد فعال بودند. یزد کانون تجاری در مرکز ایران بود؛ که در مسیر راه اصلی تجاری آذربایجان و خراسان به سمت جنوب قرار داشت و از سویی مرکز صنعت پارچه‌ی ایران شناخته می‌شد. لسترنج، می‌نویسد: یزد در مسیر شاهراه تجاری واقع بود. از جنوب به کرمان و هرمز، در مسیر دیگر به شیراز، و از راه طبرس به هرات می‌رسید (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۰۶، ۳۵۰). بزرگان یزد با حمایت از مرشدیه، باعث رونق گرفتن این طریقت در آن شهر شدند. سید شمس‌الدین یزدی (د، ۸۵۸ ه.ق) موقوفاتی برای ساخت دارالحديث شمسیه در مقبره‌ی ابواسحاق تعیین کرد (حسینی یزدی، ۱۳۴۱: ۱۴۶). کاتب یزدی از مراسم مخصوص مرشدی در یزد می‌نویسد: «جلال‌الدین خضرشاه دولتمند و صاحب خیرات بود. او دست ارادت به خلفای مرشدی داد و به کسوت شیخ مرشد درآمد. وی بقعه‌ای مرسوم به مرشدیه ساخت. خضرشاه هر شب جمعه برای مردم طعام پخته، و در صبح و شام نقاره‌ی مرشدی می‌نوازند. همچنین کاتب از مقابر

یاد می‌کند که در آن صاحبان کارگاه از دولت در ازای تحویل محصولاتشان، مساعده دریافت می‌کردند (ابن بلخی، ۱۳۶۲: ۱۳۶-۱۳۷، ۶۵-۷۷).

پیوند مرشدیه با معیشت و سیاست در عهد تیموریان

منابع از فعالیت مشایخ در امور سیاسی یاد کرده‌اند؛ البته رابطه‌ی مشایخ با حکام آمیزه‌ای از دوستی و تخصص بود؛ و گاهی بین شیوخ و حاکمان اختلاف بروز می‌کرد. در حادثه‌ی ترور شاهرخ، تنش بین این دو قطب به اوج رسید: «شاهرخ را کارد زده بودند آن شخص را در دیوان سید قاسم یافته بودند امرا به خدمت پادشاه آمدند که متعرض به احوال ایشان نمی‌باید شد اما حضرت پادشاه آن عزیز را روانه‌ی سمرقند نمود.» بعد از واقعه‌ی ترور شاهرخ، حکومت وی سیاست خشنی را نسبت به طریقت حروفیه اتخاذ کرد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۳۸۱-۳۸۲). در واقع ارادت به شیوخ تا زمانی معنی داشت که منافع حکومت تأمین شود. از این‌رو، از رویکردهای مشروعیت‌ساز سیاسی تیمور و جانشینانش؛ جذب طریقت بود؛ زیرا از این طریق نظر مردم را جلب می‌کردند. در تزویرات دارد که: «تیمور از مشایخ طلب همت می‌کرد.» (ابوطالب تربتی، ۱۳۴۲: ۱۶۶). تیمور پس از فتح هر شهر، به دیدار صوفیان می‌رفت (علی یزدی، ۱۳۳۶: ۴۵۱/۱-۴۵۷). شایان ذکر که در دوره‌ی تیمور، اجتماع ایرانی، دوره‌ی پسامغول را طی می‌کرد. پست‌های قضایی، تجمع ثروت و انبوه مریدان، به شیوخ اعتبار و قدرت دنیایی می‌بخشید. مرشدیه با چنین موقعیتی، با نهاد حاکمیتی در همکاری و رقابت بود. شیوخ ضمن ارتباط با دربار؛ برای حل منازعات آن ورود می‌کردند. در مواردی بین آنان وصلت می‌شد و قبول مناصب دولتی، وجه دیگر ارتباط بین آن دو بود (مستوفی یزدی، ۱۳۳۵: ۱۸۶-۱۸۸، ۲۱۹-۲۱۷، ۲۲۲-۲۲۳، ۲۳۳).

در سده‌ی هفتم هجری، رهبری از مرشدیه، به نام شیخ رکن‌الدین دانیال خنجی در فارس ظهور کرد. ابن بطوطه می‌نویسد که شیخ دانیال در حدود لار مورد احترام است (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۷۳). نفوذ دانیال به سواحل قلمرو حاکمان هرمز رسید. خانقاه خنج که مرکز او بود، در مسیر لار- هرمز قرار داشت. نفوذ وی گسترش یافت و به هند کشیده شد. دانیال واسطه‌ی خرید جرون تختگاه هرمز جدید، از ملوک کیش برای ملوک هرمز شد. این واسطه‌گی موجب گردید که ملوک هرمز خود را مدیون دانیالی‌ها بدانند (وٹوقی، تاریخ مهاجرت اقوام به خلیج فارس، ۱۳۸۰: ۱۹۹-۱۲۰). ملک عزالدین، پادشاه هرمز در خنج بر مقبره‌ی شیخ دانیال مناره‌ای بنا کرد. اسامی خلفای چهارگانه و دوازده امام بر این

مناره درج است (وٹوقی، لارستان، ۱۳۸۰: ۵۶). قید توأمان اسامی دوازده امام و خلفای چهارگانه در مناره‌ی شیخ دانیال، گواهی هم‌زیستی پیروان تسنن و تشیع، و اعتدال طریقت مرشدیه در تحمل عقاید دیگران است. در سده‌ی نهم هجری، مرشدیه در برخی مناطق به ویژه ولایت کرمان، مرکز نعمت‌الهی، نتوانست رشد کند؛ ولی در همان زمان، بین شاهرخ و طریقت مرشدیه ارتباط معنوی و تجاری برقرار بود. شیخ نورالدین مرشدی بین هرات و هرمز تجارت می‌کرد. همانطور که آمد، نورالدین سفارت بین شاهرخ در دیگر ممالک را برعهده داشت. شاهرخ در سال ۸۱۸ ه.ق، برای زیارت مرقد شیخ ابواسحاق به کازرون رفت. حافظ ابرو در خصوص مقام ابواسحاق این چنین آورده است: "حضرت منوره‌ی مرشدیه، مرشد الی الحق" - و در وصف مزار ابواسحاق می‌نویسد: کعبه‌ی اهل حاجات و قبله‌ی ارباب مناجات. و در ادامه از انعام شاهرخ به ساکنان مزار ابواسحاق خبر می‌دهد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۶۱۲/۴-۶۱۵).

مرشدیه با حکام آق‌قویونلو در ارتباط بود. در ۸۸۱ ه.ق، خلیل سلطان آق‌قویونلو با خلفای مرشدی دیدار می‌کند (دوانی، ۱۳۸۷: ۱۳۲). در این دیدار، بزرگان طریقت‌های احمدیه و کبیریه نیز حضور دارند؛ ولی طریقت نعمت‌الهی به شکل معناداری غایب‌اند. به عبارتی ترکمانان، نعمت‌الهی را به عنوان دوست نمی‌شناختند؛ ولی مریدان مرشدیه در ارتش ترکمانان خدمت می‌کردند. دوانی مورخ و مقام دربار اوزون حسن، گزارش می‌دهد: «در روز اول از عرض سپاه، خلفای کبیریه و مرشدیه، با علم‌داران و نقاره‌چیان روان شده بودند» (دوانی، ۱۳۳۵: ۹۴۶-۹۶۳). حضور اهالی طریقت در شاخه‌ی نظامی حکومت ترکمانان، در سده‌ی بعد در تشکیل حکومت صفویه تأثیرگذار بود.

عوامل جذب مریدان

یکی از نتایج حمله‌ی مغول، رواج خانقاه بود. پیامدهای نابسامانی این تهاجم به سده‌ی هشتم هجری رسید. هرج و مرج گسترش یافت، و در چنین وضعی، مردم در خانقاه کمتر نارسایی‌ها را حس می‌کردند؛ و خانقاه پناهگاه مردم شد و رواج یافت. در آن آداب سفر آموزش داده می‌شد؛ و رهگذران خدمات می‌گرفتند. این عوامل و همچنین نظم خاصی که در آن حاکم بود، موجب جذب بازرگانان و سایرین گشت. خانقاه دارای کتابخانه، مدرسه، خزانه، دار و دربان است. (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۴، ۱۲۲، ۱۴۶، ۳۷۶). همان‌گونه که آمد خانقاه به قنات آب هم مجهز بود. (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۱۴۳/۲-۱۴۴). این ظرفیت، به خانقاه امکان خدماتی می‌داد که در جذب مسافران و

هواداران این طریقت، در گستره تجاری این فرقه نقش داشت و خانقاه در کنار فعالیت‌های فرهنگی و دینی، به بازرگانان نیز خدمات می‌داد. همچنین با کم‌رونق شدن جاده‌ی موسوم به ابریشم، راه دریایی بین ایران و چین پررونق شد. این امر با توجه به موقعیت کارزون، به فعالیت تجارت دریایی مرشدیه، کمک کرد. در این راستا، شبکه‌ای از خانقاه با مرکزیت کارزون پدید می‌آید، که با ایجاد اتحادیه‌ی بازرگانی، نذورات را جمع‌آوری و به حمایت نیازمندان و بازرگانان پرداخت؛ تجارت را نظام‌مند ساخت، و ضمن جذب مخاطبان، کرامات شیوخ مرشدیه را نیز اطلاع‌رسانی می‌کرد. غالب این کرامات به نجات کشتی‌های حامل بازرگانان از مخاطرات دریا مربوط می‌شد. جاذبه‌ی معنوی رهبران طریقت، علاوه بر عامه‌ی مردم، حاکمان را نیز جذب می‌کرد. کسب ثروت، نفوذ سیاسی، صادرات تولیدات داخلی و گسترش فرهنگ و دین در مسیرهای مقاصد سفر، از جمله نتایج عملکرد تجاری مرشدیه بود. حوزه‌ی نفوذ مرشدیه، در درجه‌ی نخست؛ هند و چین، سپس آسیای صغیر، بین‌النهرین را شامل می‌شد.

با این فعالیت‌ها، در عهدی که درگیری‌های دامنه‌دار شاهزادگان تیموری و ترکمانان، قلمرو تیمور را ناامن ساخته بود، طریقت مرشدیه موفق شد در پویایی حیات تجاری ایران ایفای نقش کند.

منابع

- ابن بطوطه (۱۳۷۶)؛ سفرنامه؛ ترجمه‌ی محمد علی موحد؛ چاپ ششم؛ تهران؛ امیرکبیر.
- ابن بلخی (۱۳۶۲)؛ فارسنامه‌ی بلخی؛ تصحیح گای لسترنج؛ تهران؛ دنیای کتاب.
- ابن جوزی، ابوالفرج (۱۳۸۹)؛ تلبیس ابلیس؛ ترجمه‌ی علیرضا ذکاوتی؛ تهران؛ مرکز نشر دانشگاهی.
- ابن عثمان، محمود (۱۳۳۳)، فردوس‌المرشدیه؛ به کوشش ایرج افشار؛ تهران؛ کتابخانه دانش.
- ابن فقیه، ابوبکر احمد (۱۳۴۹)، مختصرالبلدان؛ ترجمه‌ی ح. مسعود؛ بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن منور، محمد (۱۳۷۱)؛ اسرارالتوحید؛ تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی؛ تهران؛ آگاه.
- ابوالفدا، عمادالدین (۱۳۴۹)؛ تقویم البلدان؛ ترجمه‌ی عبدالحمید آیتی؛ تهران؛ بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوطالب، تربتی (۱۳۴۲)؛ تزوئات تیموری؛ تهران؛ چاپ افست.
- اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۹)؛ روضات الجنات؛ تصحیح سید محمد امام؛ تهران؛ دانشگاه تهران.
- افشار، ایرج (۱۳۵۸)؛ سندی درباره بقعه شیخ مرشدی کارزونی؛ آینده؛ شماره اول.
- اقتداری، احمد (۱۳۶۹)؛ «شناسایی آبادی‌های فارس در فردوس المرشدیه»؛ ج ۱؛ هفتاد مقاله؛ یحیی مهدوی؛ تهران؛ نشر اساطیر.

بازرگانان مؤثر بود. سفر و تجارت، از آموزه‌های مرشدیه بود. تاجران صوفی به مسافرت می‌پرداختند. اغلب بازرگانان کارزونی از این دسته بودند (بحرانی‌پور؛ زارعی، ۱۳۹۲: ۶۳).

معافیت مالیاتی جنبه‌ای دیگر از جذب مریدان بود. حکام برای مشروعیت بخشیدن به خود، از اخذ پاره‌ای از مالیات‌ها از طریقت‌ها صرف‌نظر می‌نمودند. مالیات تمغا برای تیموریان حیاتی بود، ولی تلاش می‌کردند طریقت‌ها را از این مالیات معاف دارند. این بخشش، در جذب مریدان، و در ترقی تجارت ایران تأثیرگذار بود. نظام‌الدین عبدالواسع در خصوص این معافیت‌ها می‌نویسد: سلاطین تیموری مالیات تمغا را به طریقت‌ها می‌بخشیدند، و خانقاه‌ها از پرداخت تمغا معاف بودند (نظامی، ۱۳۵۷: ۱۷۸-۱۸۰، ۲۳۹-۲۴۱). ذکر مالیات تمغا در بخش معافیت‌ها، نشانگر آن است که خانقاه‌ها، در کنار سایر وظایف خود، فعالیت تجاری نیز داشتند که سلاطین تیموری، مالیات خاص تجارت را برای آن معاف اعلام کردند. اسفزاری در گزارش خود نتیجه می‌گیرد که این معافیت موجب رفاه می‌گشت: امیر غیاث‌الدین در حوالی هرات خانقاهی بنا کرد. و از امیر تیمور حکم معافیت لنگر و قنات آن را گرفت. از آن پس، آبادانی و اسباب آسایش آن بقعه، افزایش یافت (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۱۴۳/۲-۱۴۴).

از دیگر عوامل جذب و نفوذ، همانا بازگو کردن کرامات شیوخ در بین مردم بود. از کرامات مرشدان در ارتباط با بازرگانان در هنگام خطر، نقل‌هایی در منابع درج است. «اهل کشتی زاری نمودند و نذر شیخ مرشد بکردند» (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۴۵۵). از دلایل پیوستن بعضی از بازرگانان به مرشدیه، همین کرامات بوده است (کاوتس، ۱۳۹۲: ۷۵).

نتیجه

طریقت مرشدیه کارزون بخشی از تاریخ ایران است که با وجود تأکید بر معنویت‌گرایی، با رد گوشه‌نشینی، کاربرد اجتماعی آن پررنگ شد؛ و در فراز و فرودهای دوره تیموریان، تلاش کرد حیات تجاری ایران را پویا نگه دارد. مرشدیه کاربرد عملی طریقت، از جمله امر بازرگانی را منطبق با آموزه‌های خود می‌دانست. با دستگاه حاکم مناسبات داشت. موقعیت تجاری کارزون، تلاقی راه‌های تجاری و دسترسی منطقه به خلیج فارس، قداست شیخ ابواسحاق، دادن خدمات بین‌راهی به رهگذران، مسافران و بازرگانان، و همین‌طور توجه حاکمان به طریقت‌ها از جمله معافیت مالیاتی، از عوامل توجه و رونق تجارت در بین پیروان مرشدیه بوده است. با مرور تاریخچه مرشدیه، پی می‌بریم که نقش نهاد خانقاه در فعالیت تجاری

انصاری دمشقی، شمس‌الدین (۱۳۵۷): نخبة الدهر؛ ترجمه‌ی حمید طبیبان؛ تهران؛ فرهنگستان ادب و هنر ایران.

بحرانی‌پور، علی؛ زهرا زارعی (۱۳۹۲): ساختار اجتماعی دیاسپورای تجاری مسلمانان در مالابار؛ پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشگاه علوم انسانی؛ شماره ۲: صص ۸۱-۶۱

حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی (۱۳۸۰): زبدة التواریخ؛ ج ۴ تصحیح سید کمال سید جواد؛ تهران؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حافظ ابرو ج ۲، تصحیح صادق سجادی، تهران، میراث مکتوب.

جامی، عبدالرحمان (۱۳۳۶): نجات الانس، تصحیح مهدی توحیدی‌پور، کتاب فروشی محمودی.

جهانگشای، خاقان (۱۳۶۴): تاریخ شاه اسماعیل؛ اسلام‌آباد؛ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۳۸): تاریخ یزد؛ به کوشش ایرج افشار؛ تهران؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸): اشکال‌العالم؛ به کوشش فیروز منصوری؛ تهران؛ آستان قدس رضوی.

چاهیان بروجنی، علی اصغر (۱۴۰۰): کارکرد فرهنگی اجتماعی وقف در شیراز؛ شماره ۱۱۳؛ بهار ۱۴۰۰؛ صص ۹۴-۱۱۲.

حسینی یزدی، سید رکن‌الدین (۱۳۴۱): جامع الخیرات؛ به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه؛ تهران؛ بی نام.

خادم‌زاده، محمدحسن (۱۳۸۴): مساجد تاریخی شهر یزد؛ تهران سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

دوانی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۷): رساله عرض؛ تصحیح محمود ریحانی؛ اصفهان؛ تحقیقات نظری.

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران؛ سال سوم؛ ش ۳.

رحیمی جابری، اعظم (۱۳۹۸): تاریخ اسلام؛ سال بیستم؛ شماره هفتاد و هفتم؛ صص ۲۱۹-۲۶۶.

فصلنامه تاریخ؛ سال چهاردهم؛ شماره ۵۴؛ صص ۱۲۶-۱۴۸.

رجایی بخارایی، احمد علی (۱۳۶۴): فرهنگ اشعار حافظ، تهران، انتشارات علمی.

رضوی، سیدابوالفضل (۱۳۸۸)، شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، تهران، امیرکبیر.

زرکوب شیرازی، ابوالعباس (۱۳۵۰): شیرازنامه؛ به کوشش واعظ جواد؛ تهران؛ بنیاد فرهنگ ایران.

سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳): مطلع سعدین و مجمع بحرین؛ به اهتمام عبدالحسین نوایی؛ تهران؛ پژوهشگاه.

قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۵۴): سفرنامه ناصر خسرو؛ به کوشش محمد دبیر سیاقی؛ تهران؛ دانشگاه تهران.

عرفانی واحد، واثق عباسی، محمدامیر مشهدی (۱۳۹۴): فصلنامه مطالعات شبه‌قاره؛ دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ سال هفتم؛ شماره ۲۳؛ صص ۷۷-۹۶.

قشیری، عبدالکریم (بی‌تا)؛ رساله قشیری؛ به اهتمام بدیع‌الزمان فروزانفر؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

کاتب یزدی، احمد بن حسین (۱۳۸۶): تاریخ جدید یزد؛ به کوشش ایرج افشار؛ تهران؛ امیرکبیر.

کاشانی، عزالدین محمود بن علی (۱۳۶۷): مصباح الهدایه؛ تصحیح جلال‌الدین همایی؛ تهران؛ نشر هما.

کاوتس، رالف (۱۳۹۲): «شبکه‌ی کازرونی»؛ چشم‌اندازهایی از جاده‌ی ابریشم دریایی؛ مترجمان محمد باقر وثوقی - پریسا صیادی؛ تهران؛ پژوهشکده‌ی تاریخ اسلام.

گوبال، سوال (۱۳۹۵): تأثیر طریقت کازرونی بر آناتولی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشکده ادبیات؛ دانشگاه تهران.

لسترنج، گای (۱۳۳۷): جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی؛ ترجمه محمود عرفان؛ تهران؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مارکوپولو (۱۳۶۳): سفرنامه‌ی مارکوپولو؛ تهران؛ انتشارات بوعلی.

مستوفی بافقی، محمد (۱۳۴۰): جامع مفیدی؛ ج ۱؛ به کوشش ایرج افشار؛ تهران؛ چاپخانه مصطفوی.

مستوفی قزوینی، حمداله (۱۳۳۶): نزهة القلوب؛ به کوشش محمد دبیر سیاقی؛ تهران؛ کتابخانه طهوری.

نوایی (۱۳۶۲): تاریخ گزیده؛ به کوشش عبدالحسین نوایی؛ تهران.

مستوفی یزدی، مفید (۱۳۳۵): فصلی از جامع مفیدی؛ تصحیح ژان اوین، تهران؛ کتابخانه طهوری.

مقدسی، ابوعبداله محمد بن احمد (۱۳۶۱): احسن التقاسیم؛ ج ۱؛ ترجمه‌ی علی نقی منزوی؛ تهران؛ شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

منهاج سراج، عثمان بن محمد (۱۳۶۳): طبقات ناصری؛ تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران؛ دنیای کتاب.

نسوی، شهاب‌الدین محمد (۱۳۴۴): سیرت جلال‌الدین مینکبرنی؛ تصحیح مجتبی مینوی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

نظامی، نظام‌الدین عبدالواسع (۱۳۵۷): منشا الانشاء؛ به کوشش رکن‌الدین همایون فرخ؛ ج ۱؛ تهران؛ دانشگاه ملی ایران.

نوایی، میر نظام‌الدین علیشیر (۱۳۲۳): مجالس النفائس، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران؛ بانک ملی ایران.

هندوشاه استرآبادی، محمد قاسم (۱۳۹۴): تاریخ فرشته؛ ج ۴؛ تصحیح محمدرضا نصیری؛ تهران؛ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

واعظی، عبدالعزیز (۱۳۶۱)، رساله در سیر حضرت شاه نعمت‌الله، کتابخانه طهوری.

وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۰): تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس؛ شیراز؛ دانشنامه فارس.

وصاف الحضرة، فضل‌اله بن عبدالله (۱۳۳۸، ۱۳۴۶): تاریخ وصاف الحضرة؛ به اهتمام محمد مهدی اصفهانی؛ تهران؛ کتابخانه ابن سینا.

یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابی عبدالله (۱۳۸۰): معجم البلدان؛ ج ۱؛ ترجمه علی نقی منزوی؛ تهران؛ سازمان میراث فرهنگی.

یزدی شرف‌الدین، علی (۱۳۳۶): ظفرنامه؛ تصحیح محمد عباسی؛ تهران؛ موسسه مطبوعاتی امیرکبیر.